

آرشیر

فرستاد
جعفر پیشه‌وری
این روزنامه
عضو جبهه آزادی است
پسندیده است تحریر
شش‌روزه

روزهای انتشار یکشنبه - سه‌شنبه - پنجشنبه تلفن ۹۸۱۷

در اطراف

تسلیم بلا شرط آلمان

دیروز عصر رادیو برلین ضمن برنامه خود اظهار داشته است که از طرف دولت آلمان با انگلستان و آمریکا اعلام شده است که حاضرند بدون قید و شرط تسلیم شوند.
ولی دولت‌های نازی برده از قبول آن امتناع ورزیده جواب داده اند که باید بدولت شوروی نیز رسماً مراجع شود.
بنابراین پیشنهاد آلمان پذیرفته نشده است.

بمناصبیت بیست و پنجمین سال جمهوری

آذربایجان شوروی سوسیالیستی - ۲۸ آوریل ۱۹۴۵ مطابق ۱۸ اردیبهشت ۱۳۲۴ یادگوه پایتخت آذربایجان دوروی

جمهوری سوسیالیستی آذربایجان شوروی که سلامت آن ۸۶۰۰۰۰ کیلو متر مربع و جمعیت آن ۳۲۶۰۰۰۰ نفر است شامل سواحل جنوب باختری دریای خزر دامنه‌های جبال قفقاز و جلگه های گوربا و این می باشد . جمهوری مزبور در سال ۱۹۲۰ بدست مردم آذربایجان تشکیل شد و شامل جمهوری خود مختار نخجوان ، آمیخه خود مختار ناگورنی فرم می باشد . حکومت شوروی ب مردم شوروی به مردم آذربایجان برادره - آزادی ، استقلال ، خشنه و در کفایت گوانمی سعادت آفرینار تامین نمود .



آیهور قلی‌وف - رئیس شورای کمپره‌های ملی جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان

شاه باشر، بملت آزادی خوراه جمهوری سوسیالیستی شوروی آذربایجان

ماملت شوروی جمهور ی سوسیالیستی شوروی آذربایجان را بمناسبت بیست و پنجمین سال استقلال خلقی و تأسیس حکومت آزادی خوراه خود تبریک و خداوندی مبارک بکنیم .

ملت آذربایجان شوروی در عرض ۲۵ سال دوش بیوش مال دیگرانجام جابه‌جی شوروی مضموصاً مال بزرگ روسیه در راه آزادی و فرهنگ و تکامل اتحاد جماهیر شوروی قدمهای بزرگ برداشته است .

پایتخت آذربایجان شوروی (باکو) با محصول گرانبهای خود مضموصاً در جنگ میهنی مال اتحاد جماهیر شوروی نقش خطیبی بازی کرده است .

ملت باقوری آذربایجان دوروی در پیروزی مملتن سوم بزرگ دارد . یادگوه است که پتانگوا و دروش‌ها و هواپیماها و کشتیهای جنگی ارتش سرخ با نلت و بزین و سایر مواد معدنی خود بیرو بخشیده او را به وسعتیان غنا بیستی برتری داده است .

آذربایجان امروز یکی از پر جسته ترین و فورمان ترین جمهوریات است اتحاد جماهیر شوروی شناخته شده است .

چند روز پیش این جمهوری جوان استقلال آکادمی (فرهنگستان) علوم باقی در مسله ۴

بفلم ارباب‌زاده
مدر روزنامه آومان ملی

مشاهدات در اصفهان

۹- رفتی بنارنجستان رسیدیم در دهکده ، اطراف بکشت کدای لغت و مورکلا ، معاصر گردید . هنگامی نوانستیم ، این خط معاصرا را بشکافیم که در جیب خود هر یک چند تا دهشای رنگ بگریزم .-
من از مشاهده این وضع وقت آوردم و بر آنهایی که با روضت شیر و انواع اجنبیهای مال هنوز خیال میکنند که بشود مردم را درودید و برایش مردم شنید و این اختلاف طبقاتی را با این وضع شدید الی الی باید معطوط داشت در دل انداخت کردم .

من از ذکر جزئیات متنازعین برای اینجا دوری میجویم زیرا بیشتر برای دقت و مضامیندر حال حاضرگران باصفهان رفته و جم ولی میرواهم توجه خوانندگان محترم را باین موضوع معطوف سازم که بنظر من متنازعین آن گروه که از آن تیرف میکنند بهم نیست بلکه اصلاح خاک و بار اصفهان مست است بطوری که در همه جا این نرازل و جنبان بودن مسوس می باشد ، برای اینکه باصفهائی بر نفود من از روحه و احساس او دو اینجا چیزی نمیجویم و نزلتون رسادگی در باور کردن هر دوری با وجود همه روزنگر جزئی نیجویم و از دقت دو اینجانبان بطوری که دقت در اطاق میخانه دوم بر میباشیم الی الی و از آن بدینم و موهنی که برای مشاهده عمل حزب توده بالا میرانم زمین و در زیر پای خود جنبان مشاهده میس کردیم این حقیقت بسر من واضح گشت .

در مراجعت در دهکده ای که تمام وقت خود را صرف تیرف از چگونگی بلل و بخش کادرونی و سایر صاحبان کارخانجات اصفهان و مراتب طبقاتی آداب دانی : سازمان الدوله و رجوات بقول با باشل ذات آبادی بود . رفتی در دهکده ما بشهر ایست می شد . من سخنان رفتن دانشرسانان گفتم بطرف کارخانه ما پیچ .

باقی در مسله ۳

آیا سوراخ دعائی هست که گم بشود ؟

آیا حکومت نباشد بهتر نیست ؟

گایینه سازی ادامه دارد

باید قوط کابینه بیات برای روزنامه ها موضوع ، رفتی بنا و دستها وسیله برای گنگرها و بر شوخه‌ها مطلب پیدا شده است . با وجود این نواذق نظر نظمی حامل ننده است . دو مجاس چهاردهم از اول هر دو دنه قوی باهم دو لبرو بود . اگر چه ظاهراً اقلیت‌ها ضعیف و متشت بنظر می آمدند ولی در عمل همیشه با دو یا سه رای اکثریت حاصل میشد .

متزلیان اکثریت میخوانند باصهان ۳ رای زمام امور کشور و در دست خود نگه دارند اینهم شدنی نیست . اقلیت بسیار قوی تر از آنست که ظاهراً جلوه میکنند . در میان اکثریت ضعیفتر ، هم هرگز وحمت کامل نیست برای اینهم کابینه ها نمیتواند کاری از پیش ببرد .

میگویند در کابینه آیتده این موضوع را در نظر خواننده گرفت و سعی خواننده کرد دولتی روی کار بیارند مردم توجه واعناد افلا دولت بنایندگان باشد . مضموصاً دستجات مفرط را میخوانند جانب بکنند طول پیرا را هم غیر از این دلبالی نیست ولی بنایندگان باین کارها عادت نگرددند هر کار . نظر خام و خردوا پیش میکنند مبروازه در کابینه دست دانه باشد و در کارهای آن اعمال فرزند بکنند .

کار دولت آیتده بسیار دهور خواهد بود اگر بخرانند تبادل اقلیت و در نظر بگیرند اصلاح مجلس ممکن است تشکیل شود .

تا امروز نتیجه نظمی بدست نیامده است .

دیگر از شماره‌های اخیر چند سطر واضح با اداره نایبانت و افتخارات و وزارت و کتوروزی نوشته در آن دقیقه خود را در محسوس طرز کار آن اداره و انتظاری که در نزد کشور مترقی آن دارند بیان کرده بودیم .

در برخورد با آقای وافت مسئول و مدیر اداره نامبرده میباید که نوشته ما مبرجبت سکندر نور در پیش ایشان واضح شده است حق با او بود .

مایا بد افترا بکنیم که از مرحله دور هستیم انتظار داریم وزارت‌ها و ادارات دولتی هدف و مقصد و برنامه داشته باشند بران مصلدی که تشکیل گردیده‌اند سکار بکنیم اینست بلک نوع برجانی است .

اگر چه مادر گنگری خصوصی در ووی دقیقه خود بافتاری گردید آغای مدیر هم فتمده آنرا قبول کرده‌اند ولی نظر ایشان مایا بدیرتیه بود .

ایشان گنگنه مقام می‌دانیم اداره نایبانت و وزارت کشاورزی برای این - باقی در مسله ۲



میر جعفر باقر اف - رهبر ملت آذربایجان شوروی

بفلم ارباب‌زاده

اثر وادایلوگیا

قطعه عشق

ترجمه کریم کشاورز

ماریا بخت باستاند ویرس منی نازه کرد و ازجاده بکنار وقت و درون کردال افتاد - بروی گل و لپن لیزید و افغاند و خروباست - بیکجا گریز کشت به عقب و زمره و عشقی چنگ زند و بلاخره خوربا بکنار دیگر کردال رساید - آتیا بچه های بیخ رو و بدهد و شامخه ها و زنا و زویا و نارنگ آن سر با آسمان کرده و زوارا خوربد بیگام فروختن روضشان میگردد

انبار و آنجا درختان کاج روئیده و در میان آن خانه های کوچک بید رخ مانند نسیم نشاط انگیز گریشا و نگاه سرو آژور او شکفته - بونه خاربا وارد بیشه مرطوب شد - دست ها با انگشود گویی می خواند - بونه خند و یاد آفرینش کشته شامخه دستترا با شورش میدادند -

ب آسما گویا می گویند که بی شامخه ها ما خوش بود - این ها نظره غنچه های آینه بود - و فصل انرطوبت را موقوف ساخته بود - و این نظره به شامخه با مردمان شایسته پیدا کرده بود

ایرین چیده - این بینه - زین - در میان زرمه بر گهای کوچک - در دروئی زریه جان درخت و سیزه - آن دو نصرتن نار یکدیگر را بود - ما با به پیش میرفت شامخه های تر سر و صورتش تصادم میگردد - مانند دو آنک در میرفت میگردد حس کرد که گریشا زاریاته است

شامخه های کوچک و نرزا ساعت دو آفرینش کرد - سخنان نار به زبان آژور - ناله برآورد و بر سرهایش بروی زمین مرطوب افتاد - نار به سر شکل دهشتناکی می لرزید و می نالید و سرشک با سر و حرمان فرو میرفت گویی کوهدم برقی شاهانش خراب شده است

بیشتر آینه که اگر بهت و مصرا نه بفرماید و اراده کنه همین جا جان خواهده میزد و در این بیشه بیدرخ کوه زوری بوسه با گنگشرا که گویی با جان بقامت میاده بود و در اطراف هارین پنهان میداشت خواهد کرد - آن روز و این ایستاد عشق گذشته بود - دیگر باز آینه بود - طوفان سبک اثرش را سزوده - و چنگ بیکه های آتیا سرش کرده بود - شاپاره های آتیا یاره با یارن ساخته بود - گلزاره آتیا سرخ و سرخس کرده بود

وقتی بهود آینه مژه کل ولجن در دهان می خورد - داشت غلظت کوشه کشته های سرخغله دیگر وجود نداشت و تاریکی بیخ آژور و مرطوب آوازش گرفته بود -

گریشا باز دیگر مرده بود - برای همیشه - برای ابد - برای اینکه دیگر بازنگردد از وی جدا شده بود - ماریا برخاست و بهت با های شهود و سرگردان حرکت کرد - اراده کل با نورا با یکدیگر و لی کلنک نبود - همچنان با نورا چسبیده بود - دست هایش گل آژور بود بسوی ایستگاه و آمدن در میانه راه - بنادق که گودال بومیه بین و غیر عالی بروی میدان کشته - یاز باغش لیزید و افتاد - ناگزیر از دقایقه ای چند در کزید که تیرو سبک و شزوانه تر بخرد - ولی خود نهداشت که چکار میکند و چرا آنرا و در پیش گرفته است -

تاریکی زیر کاهها حکم فرما شد و اسکنان باز با بی کار خاها و فرا گرت و اکنون بیشتر با یارون مرده قهقهه بشیده بود -

با یارون ناله فریاد خورده شد - نظرات با یارن را که بصورتش تصادم می کرد با لب می کشید و اولتیکه خورده است متعجب میشد - از این تریکه اش خون جاری شده بود اما نگریست و باز غنوز دیده - قطعات تیر آینه کشته اش را مچروخ کرده بود - این خون گیسب آتیا از آن گریشا میباشد - آه از وی بیست آخر آفر که گریشا با یاسمان نکرده -

که تنها ماریا چنگه هیچکس یکیش نکرد - هیچکس اجانش امداد زیرا امید نیانی در دوار باز تر زخم نبرد بلکه دلدیرانه جان سپرد - آری چنگ نوشته بود - از او به طرفت او مردمانی برافراشت بیکار خاطر بیرون - با طرفت استابین کسب سپرد -

ولی چرا - وقتی در این باره می اندیشم - سخنان آتیا - و فرودول های آتمادهای که سه ها با یارود روزنامه ها خوانده ایم متعجب می آید - معلوم است که این سخنان قیومتی و برصالحه - معلوم است این سخنان بی ادویه که می تابد و خوبی دارد که در اعمال نگاه میاره - حیات و نیروی این کلمات آن سکار بود که در صدمه و هرات برید - به طریقین استابین جان - می برده - استوان افلاطون دیگری بپایان نوباد -

با گویان پیش خود دو کشف شده که چرا دو بازگشت از مراسم تعیین گریشا چنین اندیشه های خاطرش غمخورد میکند - نه او نبود که - این چیزها می اندیشد - این افکار بفرمود خود - گویی به خون حرکت می - درونش بینه آمده بود

دو ایستگاه در آن همه به ناسیب بروی می نگریسته - انگشت می بایستی به ساعت دگر بایاند - او بسا به روی تنها بلیکت نشسته و چشم را به قطعه معینی از افق دوخت و با شکیبایی منتظرمانه -

مشاهدات من در اصفهان

بینه از صده اول

از دو کارخانه بنیوان جنین مسافر و رهگذر (کو که این هنرندان را همیشه معطوف داشته و یکسوی مودت استابینم) و بر حسب نرسه حاجی خان که بقول خودش سابقه کارهای با کارزوری و پیشینه رفاهت بادشاهی داشت اجازه ورود بکنار خانه داده -

راهی که از طرفت کارخانه برای راهنایی ما مین گشته بود تمام شبهاست کارخانه را مو بسو ما شان راندن از این موضوع خوشترند - بوم که در ضمن مشاهده چگونگی - فعالیت کارگران فرصت گریزی و شنیدن دوای دروئی کارگران کنی در دست میداد -

نبار کارگران بیکای اظهار شفتگی می نمود و سستی برام زنی توده می کردند و سریت خند کار می خوانست - بونه هاله آنها را در زمستان های سرد سخت و بهین از مرگ جات دهد اظهار ملاحظه نمودند - آنها را گفتند - اگر در طی خدمت و کارگری خود هیچ ناهمه بدیشتم تنها همین سکنه و قرضو اطلاع دارم که فقط با انعام و یکسایگی و بر فرازی رفته رفته داد و محبت من طیف کارگر و اظهار اعتماد بر این طیف کارگر است که می توانم حق خود را از دست این بیکشتر خانه ها بی نصیبی انصاف بگیرم - ما بر اینم که در این بیکشتر و بر ارضیات و تفاهلی از طرفت ان و ذلالتها و بر سنی ما مقاومت و زورم و با پیش طیف خود متوقف طلب افتاده خود را بسوی بگیریم - طوفانی که در نگاه ما را نشان کشید - اهل بی خود و خاشوعه ما را میانه سازد - بهداشت ما را بر یکان سرانجام آژور و در سدارس را بر روی بیجا می باز کردند -

بناهی در پیشگاه

خبرهای جهان

رئیس انجمن مسافر انگلیسو
سرانگلیسو - جنرال اظهار خبرگزاری انگلیسو نایبندگی مال متناق از مخالفت مولونف کیسر امور خارجه شوروی درباره انتصاب آژورد استه تکیس سر بیست شورای امنیت در جلسه سبک چهارگشتی کرده - متعجبانه در گفتارهای این پیشنهاد کرده بود که استه تکیس بر بیست دادگی این انتصاب کرده و نمایندگان ۴۵ دولت هم که بوسله بلنه کردن دست پیشنهاد اینها را تصویب کردند از اختراع مولونف متعجب شده

کمیتره خارجه شوروی پیشنهاد کرده که چوار رئیس دمی انتصاب فرود و هر کدام بویوه هیوه دار و بیست انجمن کرده -

جلسه خانه بافت و مقدمات به موبهانه مراجعت کرد -

پس از مدتی مذاکره و پس از آنکه موافقت آنها در خصوص دادگاه انتصاب دولت اتحاد جماهیر شوروی راجع به انتصاب آژور سر این جنین موافقت نشود دولت اتحاد جماهیر شوروی پای خود را از سلفه دولت های دعوت کننده کنار کشیده و مانع از آن دولت دعوت فرود از این جنین حرکت کرده خواهد نمود -

پیشنهاد مولونف تصویب کرده - پس از اتحاد این تصمیم فوراً جلسه عمومی انجمن تشکیل یافت و در میان کاف ذدن اضافه تصویب گرفته شد که در بیان های ان انجلس و فرانسه و روس و چین و آسیای جنوب و روسی سان - فرانسیکو و ژاپن های درج شده داشته شود -

قبل از دست ایران شماره ۱۰۹

تکذیب خبرگزاری شوروی

روزنامه ددیلی «پرو» آمریکایی روزنامه «سیدی دلی» لنگراف «استرالیا» شورای ایتریزس از او هانگن اشتراک دلدلی منشر بر اینک بلوادوان «سایهان» ۲۳ آوریل در بران بوده و نظر با هتراض استابین که اظهار نموده است ما با ما موافقت می آید - اما است که - و سو با اولاد بران شونده به نشانی کرده است - مداران آتیا - کاخ این جهت به عقب نشینی مبادت شده اند که در اصل واردند این موافقت مانت شونده -

خبرگزاری شوروی ما موافقت اظهار بداد که این خبر بیرون بیچوبه با قطع مطلق نبیست و از اول آن آخر تحمل صرف است

آگهی

ترجمه فارسی انشاه های منتف انشاه لوئیس مورف روسی ای - آژور گریب با کاروسی ایتریزس از انتشارات خانه فرهنگ (وکس) منتشر کرده در کتابش و ها و گویسکهای روز نامه فروش بل بروش مترجم کتاب فرشی های - دین سینا - آتیا - به - آژور - دلدلی - دانش و آتیا - گویسکهای روز نامه آروسی - سر چهار راه لاله زار و چهار راه اسلامبول - ایستگاه مهران -

ش ۳۶۶ قیمت هر جلد ۷ ریال

آگهی مزایده

اداره حسابداری کل املاک خالصه - لغاری و روغن خوراکی در حدود ۳۵۰ کیلو در ۲۰ حلب می باشد از طرف مزایده فروش سرانسه دولتیان می توانست ما را به بکار برداری این اداره و مشاهده نموی آتیا پیشنهادت خود را با تضمین افسی سرده مبلغ ۳۵۰۰ ریال که بله یوزن اداره خوانده - بهداشت تا آخر تری شهری ۲۲۰۰ ریال - بدینرا دره حسابداری کل و ارفع و در میان لاله زار و اسلامبول - بکار برداری سرده و بافت دادند پیشنهادت خود به جهت ۹۰ پیچ روز ۲۲۰۰ ریال - با وزارتت خواهد شد متعجب پیشنهاد دهه که در جلسه مزایده آزاد به پیشنهاد دادند قیض سیرد تریس در این اداره پیشنهاد فرمده مزایده - هر که از انجام معامله خود دارای شایسته سیرد - و بسود دولت ضبط خواهد شد - مالیات مزایده معده بر همه آتیا میباشد - اداره در در وقت اول پیشنهادت قیض بختر خواهد بود

وایس اداره - حسابداری کل املاک و خالصه - ساسی ۳۶۶ - (کوک)

شخصی موشون که مطرح مذاکره واقع شده عبارت از: پیشنهاد مولونف و ژان مارکارت و وزیر آژور خارجه بک - اسلاوکی بود که تقاضا کرده که باید ملاقاته نماینده دولت لهستانی را بدو و اولی برای تعیین لیست نماینده شوروی - موشون و اسکنان انگلیسو چهارم در این پیشنهادت در جلسه محرمانه گیت ریاست رد کرده -

پس از اجتماعات ملازوبه و مولونف راجع با تضاد تصمیم در این خصوص پس رفته مذاکره کرده و پرمیاه و مصلحت مینمایند -

این که از اجاب استه تکیس ثبوت شده بود اظهار داشت - من تعجب دارم که در صورتیکه آتیا مولونف در اجین کریمه موافقت کرده اند که تکلیف این موضوع و باید دولت های دعوت کننده موشون و مین نماینده اینک در اینجا چنین پیشنهادی مینمایند -

آنگه (افراد) نماینده برجسته بروی پیشنهاد کرده این موضوع به کینه امرایه این اجن ارجاع فرود در همان هنگام بول هانی اریه - وزیر - آژور خارجه بلیک طریس پیشنهاد کرده - مینی بر اینکه ممکن است درل دعوت کننده توافق نظر پیدا کنند که مین که فرصت دست داد دولت ایستان داد اجین سان - انگلیسو حرکت کند لاله مارشل استرزیان این پیشنهادت را پشتیبانی کرد و قرار بر این شد که درباره آن رای گرفته شود -

موشون نمایندگان دستها را بلند کرده و با این پیشنهاد موافقت نمودند با استنای کسیر امور خارجه شوروی که از دادن رای امتناع نمودند

بنابراین کینه مسان مربوط بشکرت

عیوراز آلخن
رادیو پاریس سبکوبه که طریق اظهار منابع اطلاعات مطلع بود و وزیر چنگه فرانسه در آن خلاص چنگت داد و اول دادله ایتریزس و دلدلی - آج و ژرژ کابلن فرما شد که سابق فرانسه که: اظهارات آتیا فرانسه استابینا پیوهده فرود از آتیا و روس سرور کرده اند

استعفا گوربوت
ملار مار هان گوربت در خواست کرده است که از او را فرمایند که نیروی هوایی آلمان مستهل ساخته می شود زیرا میل به شناری است - وادیهوای هاینرولک شریبیده که مینار کاتل ژرژال و برتن گرم اجای - بگریه

بگریه

مجموعه هفتگی «دسر»

زودی مجموعه مصور هفتگی «دسر» با مطالب شیرین و می ساقه متنشر خواهد شد ۲۰۱

اژیر

شادابی سلامت آزادیخواه

جموری سوسیالیستی شوروی آذربایجان

پتیه ازسماول
خورا چئن گرفت دروز روز جشن
بیست و پنجین سال تاسیس جمهوری
مژور بود.
اگر تاریخ جدید و تکامل این ملت
و یادت مطالعه بکنیم دیار شگفتو
حیرت‌ناخواهیم.
جمهوری آذربایجان جلو چشم ما
چرک بده بالا آمده گرد و با صف
مخالک مترقی و مـ... سرد دنیا وسایده
است -
۱- حال پیش بنام مدرسه و بنام
فرهنگ ملی در تمام این کشور چنه
دهستان سینتر بود تازه در اول قرن
سلسله عمارت از روش نکلران با کو
تسیم گرفته بودند برای اداره چنه
مستان. لی چهنی بنام شرم‌افراست
کرده که سوسه نامی بنیادوالسلسله
بوجود پیاورده
بیست و پنج سال پیش دانشگاه
یاگر تازه تشکیل شده بود ولی
توسیر دو آن در بان ملک خیال‌واهی
نقد میشد.
امروز آکادمی آذربایجان
چول - باران عالی تدقیق و تنبیغ و
و هیروه بکنده
با بر سر آن آذربایجان سوسیالیستی
امروز - که از دوره‌های سابق دو اول استادی
جهت شوروی شده‌است.
این دوره زیا بود که هنر برای
وسیع آن ملت آذبان و بالاتک و
ادبار گنایده. بالاخره این آرزوواناچار
شد که برود -
آذربایجان شوروی دومعت کوتاه
پیشرفت بزرگ کرده‌است.
تاریخ آملی آذربایجان و
سایرکات فرهنگی سرخ نامور - باید
و هر حق بود که از جنبه صنایع
یاغولوف افده -
آذربایجان اسلامکلتور زیبایی است
روضی های سامانبر آن اروپا چیده
تربین و سال یکا بود لافتی - سرود
استفاده قرار گرفته است
علاوه بر صنایع سنگین استخراج
صالح و صنایع و ریش و صنایع مسولت
صنعتی آذربایجان با آب میکنده
هوای پاک و نظرها آداب میکنده
آباد (کنیه) مراد شاهر شیر
(نظامی) - سینتور ساج ملی شی قاف
در (نظامی) ساج ملی شی قاف
امروز آذربایجان در راه این هنر با
روزگرتین هنرمندی سنن مدون دنیا
میتواند رقابت بکنده
کنیه امروز چنه هنر هوار کارگر
دارد که دروائی چنه شی مسول
هست آسب و در تجبیر ارتش مدون
تلفین استیجابات مردم بسیرا موثر بوده
است -
بیست و پنج سال پیش آذربایجان
شوروی بنام دین چیده چاره‌هاست و
دولت تزاری مفسور اجده این داد
افراد آذربایجان را باورش درویشند.
امروز بنوان آذربایجان در تمام وقت
های ارتش سرخ فیرمایش های مورد
تحمین دروز دانه از آزمایش مین
عزمت سرزانه چون آذانه

آبا سوراخ دهائی هست که گم بشود؟

پتیه ازسماول

لیست که دروز روز نامه تیر و تپیدر
پامورین وزارت خانه‌ها انتشار شده
و یا شرح کارهای ظلمی دولتی آن
برویدار بدینخانه و سوله نیست آدمیست
انحصاری که با طرف‌امیرین و وظایف خود
و اجماع بیعتنه الخ...
حق با از بود ما خودمان سوراخ
و ما اگر نگردد ایم. ما از یک ماور
کلوی می‌خواهیم که آترا درون‌ها هرغه
ناراده انصایب بمانده -
مجلس شورای ملی امروز ما عدا
کینه اجرا با بیان است بسیار بوقین
هفاد دروسه از نرماکلین بزرگتکلیف
می‌دهند اینها وقتی که از صلاحیت یک
سایده گفتگوی می‌کنند بلکه در زمین
توجه بود می‌کنند مثلا فلانی چه حق
دارد و کیل بشود -
که برای کشتن لاغرم دوست و زمینی
ندارد و برای باران دریا می‌خواهد داخل
شده باشد با وجود این مجلس ایران برای توسعه
کشاورزی کوچکترین شکر نمی‌کند رسده
ترین اقدام حاضر شده است بکنده
وقتی هم کسی سرزودت ملکات و
میان آگهی گویند که سوراخ ما که کور
لافنی است باید قاف برای توسعه آن
وخته از حیث اقتصادی توجه نمود
بسی -
بها در این احوال با نهانی در ملک خود
در مزاج خود بود و هلاکت و بیوه شاد
شد حاضر بیعتنه افلاک و شاورزی
ماسر و راه با بیعتنه و فر سیماس
این کشور خود که تا ترنگت پیدا می
هود -
مصولت لافنی همان است که
در زمان حرج فلان روز دین وزارت
می‌کند
حق ندارد اظهار جبر و ناتوانی بکنده
قضا و زجر کشاورزی غیر از این جواب
نمی‌باشد بکنده
تلیات کشاورزی را هاید و زو او
میتد در تمام این دهانه بیستی و چه
لوری دروسه ولی اژدر سالک مترقی
و هو فرهنگی که بتیاج تربت و تولیه
مصولت هائی می‌دهند این بکنده -
ارجمندی دارد -
دروسه لافنی مفسور آسب که
فناسر را طوری تربیت می‌کنند که
برای بزگرم نری باشند آ نهار ایست
میاورده با آسبها و هرمان و نخل و زمین
و جو و گورین و صلاح نواد حیوانات
و نباتات و در خفا با مومناصرا و اطلاعات
مجلس میوه نمایند -
لافات بکشاورزانی بسیار است
طرز هم در فوایس نبودت ملکات و
آباد و در زمین آسبها و ویرو زراع
ارزش دارد آترا با بطور خود و دینی
کلورین دروانگی است -
زمانی که گریه و بیطوری باید بده گنایده
و در اختیار زراع کلافات تا از زمین که
امروز برای مصولت آسبها با کله می‌رود
بلا بصدت بیاید و صدکات و از قنور
چهار کیلیت بماند بماند -
بدینخانه همه‌ها باهلوان حرف
هستم در مباحثه و مباحثه استادین و
لذله‌ها و کربایات مفسر می‌کنند و نئی
که پای هل بیان می‌آید کیشیان آنک
است -

از یادداشتهای مسافرت آذربایجان

پتیه ازسماول

میشود باهازه بلکه چه هم از دستمان کار
برسی آید -
با شتر بکات و ظاهر سازی در بدستگ
را در آورده‌ام موش این که در دینتلم
بکنیم برای شهری هار داوره بوازل کشاورزی
سفن می‌کنند
چون بود پیش یکی از مترجمین
سکات سده‌ای کرده‌ام در اثر مینوتوان
آترا تطبیق نمود -
می‌گفت ما در ارستان بودیم بکنیم
مهندس اروپایی که حرف و بی سرسوده
و بریزاک و زحمت کش هم در دست راه
سازگی کار میکرد ما از اخلاق این مرد
عجبتر در شکلت بودم هرگز با کسی
سایر نیکبند اگر از خارج شدیم پیدا
نشدیم قلم زوی گفته بود آژرود -
کس سواری آفرین کرد از زو اول
برسد به است - برای انصایب آوزتران و د
که بگورز آفرین می‌بایفانه باشد بود
ما آفده بدون مقدمه با بنیاب کت مصلوم
میشود در ایران قنور نقد برای شریکات
و وزه و جنبه و با موشکی و دیگر
بکنده - این هاستهای خود را همین
از آنها بپارده شدند بدست کسی دیگر
میدهند -
مهندس پیاره ژر خود کشیات
ژر کی کرد بود او دیده بود که عده‌های
سرباز آزاده و سید از آسب بیایدند -
لجام آن‌ها و بدست هائی ما دادند که
کردند بماند - بی جانی در از رهزرا
سازگ هرگز نمانند در راه را تعقیب
و قلع و قمع فرستادند -
این حقیقت است دوا را ما برای
تفریفات است هنوز مدتی قنور برآورده
است آفتیند از دیگران میبراهه قنیه
هتد و دیگر ستانلی می‌خیزان چند کور
نود - در شریک از برای بارها هم
کار و هنوز ادامه می‌دهیم از ایستگاه
مشایر امنیت می‌خواهیم هفاد و قلع
و اساع کشیم تا اولت خود از خانه
خود نگذاریم بکنده از تمام موارد
ارزشمند در خود می‌خواهیم استفاده
و دوا را سر کار و عهده‌ها بی
بطور کسی طبق این که برای موش
اروپایی تلارگی داشت و بترا می‌کنیم
تلورن را روسا و مدیران و وزرا
می‌گیرند کلوروا در زمین پیاره همین
می‌دهند شرفیات و تنواها همیشه مام
درود صدفرا تا -
الان بکنده است کاپیت (هیت
وزیران) قنور کرده‌است بیعتنه آب آراب
کلوهای دوا بر موش سوسه است که گشتنی
اشود همان موش می‌رواند -
سوشیت را دانه بماند و امانا هیت
وزیران نیز از شرفیات چه چه درد
میخورند -
اگر این دولت باشد فلما باید
خراب نخواهد شد - انسان با مشاهده
و ضحیت بیاید کند و دانه خرورده -
دانه مانند نارخسیت هاروم سکومت
و انکار بکنند -
حکومتی که نشه ندارد هل ندارد
بناکارهای اماسی دولت تروت دستر
بلا دردی چه لازم است -
آبا بیافه بهتر نیست -

وضع بازار - نیم یکبارگی - تگرانی مردم

احتیاجات شهرستانهای آذربایجان

دین آن باجا مسافرت نوده روزی
چنه در آن خوش آنجهوای بیلائی
بسر برینه تا بدینروزه می‌گهرو که امروز
بواسطه دوری از مرکز بیعتنه ممر
هخل و عمارتی ندارد راه دخل و عمارتی
پیدا بکنده -
اهالی اردیل مفسور طبله منور آق
از این پیش‌دین سپار ناراضی بودند -
از بین برین دیوار مملکله کار بود
آهم از نقطه نظر حاص آتار باستانی
این باستانی خراب بود -
فصلی خاکسار بکنده عسکری سلاطین
تقدیم و از اسیریه راه با کله کرده داده
هگل خودشورا در آن مجاری بکنده -
مجلس السلطان اصرا داده است حی
پهلای تاریخی اسماهان را از برای دریاوار
سردوب ببارستان آتالی رخاغان
تنبیر داده بودیم منور مدار (همه
مطابق) را از آتار ببارود تالی بود
ورد مفسور سربازان و مومناست که
آق نظر را واجب می‌کنند
انها کارهای زشت و بی‌است -
مناقیق و چالوسها که با راه و
پیش پای سلاطین بکنده میگنارند دستنقد
شد بدینترن باقی‌مانده هستند -
بادهامان و سلاطین ازین می‌رود
آتار و انبیه باقی باقی سانه انبیه
مال ملت مالان خود است - استماده و هنر
و درجه ندرن ملتا انبیه می‌دهند
خرفو گرانبها مثبت بود سوله‌های ایات
صنعتی را با دهاشن خورشان سوله‌های
شکفت کهنه سیدیه سیدیه ایات حیرت آور
صنایع تلار ایران و با سلاطین با دست
خود بوجود آورده اند انبیه آتار دست
استادانی است آترا بر پیش کرده است
فرهنگت است آترا بر پیش کرده است
از این نقطه نظر است با حفظ
و سراسر آتارها لافندی می‌باشیم دست
در آرای با دست دوازی می‌باشیم
می‌شاییم -
تیه داد

تیه ازسماول

حقوقی که دیگر می‌باید بر نیام و
تک مسیحی و ولت آبادی بر همه چیز
توانسته مزب تر آن تشکیل داده و بنام
مفسر کارگران انصایب تشکیل دهند؛
حقوقی که با وجود بیعتنه در کامیجان
کارخانه ما توارنده بود و دیگر کارکنان
را که قابل ملاحظه با اجرت هست نیست
دروزی نامه های مزدور خود -
و بال جلوه گرساوند - حقوقی که دیگر
کارورده و وامانی ما توارنده از اجیب
ما بود و صرف خریدن حرف و عریب
برای بکشت هوچی بر سر و پا بکنده
سایه و دردی بکنده - آتار ما
مسلمانان که از قوت باوری خود خان
می‌خوریم - ما مسلمانان که بمانه سختی
ناموس و حیثیت خود و از مصلحت و ابرام
ما مسلمانان که نان و نمک می‌خوریم و
شکرشده و با بجای می‌آوریم که آتاری
که توفشان خون بدن ماست و خرچ
زندگانی آسب از کیلیت جانفانی ما
نابین میشود - آتاری که در زمین اخ
نمش و دوست می‌باشیم بی ناموس آن ها
خوره آتار است - آتاری که شبانه
روز دست و پا لایق در آغوش زند
هرجالی بر می‌برند و چون قدم بیخایان
وسجده میگنارند دم از مسلمانان
دیانت می‌زنند -

برق شهرستانها

پتیه ازسماول

از اوک مینویسند که کارخانه برق آتارها
تاریکی مینش بر میزید -
دوخی اسلاواخانه برق نیست ههروا با چراغ
بکنده آتم فامه ندارد - ویرا چراغ موشی
استفاده بکنده -

تیه ازسماول

حقوقی که دیگر می‌باید بر نیام و
تک مسیحی و ولت آبادی بر همه چیز
توانسته مزب تر آن تشکیل داده و بنام
مفسر کارگران انصایب تشکیل دهند؛
حقوقی که با وجود بیعتنه در کامیجان
کارخانه ما توارنده بود و دیگر کارکنان
را که قابل ملاحظه با اجرت هست نیست
دروزی نامه های مزدور خود -
و بال جلوه گرساوند - حقوقی که دیگر
کارورده و وامانی ما توارنده از اجیب
ما بود و صرف خریدن حرف و عریب
برای بکشت هوچی بر سر و پا بکنده
سایه و دردی بکنده - آتار ما
مسلمانان که از قوت باوری خود خان
می‌خوریم - ما مسلمانان که بمانه سختی
ناموس و حیثیت خود و از مصلحت و ابرام
ما مسلمانان که نان و نمک می‌خوریم و
شکرشده و با بجای می‌آوریم که آتاری
که توفشان خون بدن ماست و خرچ
زندگانی آسب از کیلیت جانفانی ما
نابین میشود - آتاری که در زمین اخ
نمش و دوست می‌باشیم بی ناموس آن ها
خوره آتار است - آتاری که شبانه
روز دست و پا لایق در آغوش زند
هرجالی بر می‌برند و چون قدم بیخایان
وسجده میگنارند دم از مسلمانان
دیانت می‌زنند -